سراب صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری گروکشی جدید به سبک اینستکس

در سند تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا، تشکیل صندوقی ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی و پرداخت غرامت‌های جنگ مطرح شده است. تاریخ اینستکس اروپایی و سابقه پرداخت غرامت جنگی عراق به کویت، نشان می‌دهد که این پیشنهاد نه یک کمک، بلکه تله‌ای برای خلع سلاح روانی و سیاسی ایران است.

به گزارش خبرگزاری فارس؛ در تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا، تشکیل یک «صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری» برای سرمایه‌گذاری در ایران به چشم می‌خورد.

این پیشنهاد در نگاه اول وسوسه‌انگیز به نظر می‌رسد. رقمی نجومی که می‌تواند تمام خرابی‌های ناشی جنگ را جبران کند اما درست در همین نقطه، خطر بزرگ نهفته است.

این پیشنهاد با کدام منبع مالی، در چه بازه زمانی، با چه سازوکاری و مهم‌تر از همه با چه ضمانت اجرائی عملیاتی خواهد شد؟

پاسخ به این پرسش‌ها روشن است: هیچ‌کدام. این صندوق موهوم، ادامه منطقی همان راهبرد کهنه‌ای است که پیشتر در اینستکس و صندوق بازسازی غزه دیده‌ایم. یعنی دادن وعده‌های بزرگ و بی‌ضمانت، برای گرفتن امتیازات واقعی و ملموس.

منطق «گروکشی معکوس» این‌جا حاکم است، آنها وعده آینده را می‌دهند تا از ایران امتیاز امروز را بگیرند.

برای درک ماهیت واقعی این پیشنهاد، کافی است به سرنوشت «اینستکس» بنگریم. این سازوکار مالی که در ژانویه ۲۰۱۹ (دی ماه ۹۷) توسط سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) راه‌اندازی شد، قرار بود راهی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا و ادامه تجارت قانونی با ایران پس از خروج واشنگتن از برجام باشد.

اروپایی‌ها با آب و تاب از این کانال به عنوان «راه‌حلی برای حفظ منافع اقتصادی ایران» یاد می‌کردند. اما واقعیت این بود که اینستکس عملاً هرگز یک تراکنش مالی واقعی و معنادار انجام نداد.

این سازوکار صرفاً برای یک محموله کوچک دارویی در مارس ۲۰۲۰ (اسفند ۹۸) و آن هم در بحبوحه پاندمی کرونا فعال شد. حرکتی که بیشتر یک نمایش بشردوستانه بود تا یک کانال تجاری واقعی.

در نهایت، خود اروپایی‌ها در مارس ۲۰۲۳ (اسفند ۱۴۰۱) رسماً اعلام کردند اینستکس را منحل می‌کنند، زیرا این سازوکار «ناتوان از انجام مأموریتش بود». این اعتراف رسمی به شکست یک وعده توخالی، عبرتی بزرگ برای امروز است.

هدف اینستکس دقیقاً خریدن زمان و جلوگیری از واکنش ایران به بدعهدی‌های برجامی بود در حالی که هیچ عزمی برای مقابله با تحریم‌های آمریکا وجود نداشت.

دومین شاهد برای اثبات توخالی بودن این وعده‌ها، «صندوق بازسازی غزه» است. پس از جنگ ویرانگر غزه، در نشست‌های متعدد بین‌المللی از جمله نشست قاهره در دسامبر ۲۰۲۴ و نشست اضطراری اتحادیه عرب در مارس ۲۰۲۵، طرح‌های بازسازی با بودجه‌های تخمینی عظیم (تا ۵۳ میلیارد دلار) مطرح شد.

ترامپ نیز با طرح‌های عجیب خود مانند «ریویرای خاورمیانه» به این هیاهو دامن زد اما امروز، پس از بیش از یک سال از این وعده‌ها، نتیجه چه بوده است؟

حتی یک دلار به صورت عملیاتی برای بازسازی وارد غزه نشده است. دلیل آن روشن است: هیچ کشور یا نهادی حاضر نیست بدون یک افق سیاسی روشن و تضمین‌های امنیتی واقعی، پول نقد را در یک منطقه بحران‌زده و تحت اشغال هزینه کند.

این صندوق یک نمایش سیاسی محض بود برای فرار از مسئولیت و انداختن توپ به زمین دیگران، نه یک برنامه واقعی برای بازسازی.

این دو نمونه، الگوی تکراری یک فریب راهبردی را نشان می‌دهد. یک سازوکار مالی رنگارنگ طراحی می‌شود، نامی فریبنده بر آن می‌گذارند، ارقام نجومی به آن نسبت می‌دهند و سپس آن را به عنوان یک «امتیاز بزرگ» به طرف مقابل ارائه می‌کنند، در حالی که از ابتدا هیچ عزمی برای عملیاتی کردن آن وجود ندارد. از طرفی این منطق «گروکشی معکوس» درست برعکس اصل حقوقی پرونده کویت-عراق عمل می‌کند.

آنجا عراق به دلیل تجاوز، محکوم و مجبور به پرداخت بی‌قید و شرط شد. این‌جا اما از ایران می‌خواهند برای دریافت غرامت، امتیاز بدهد. این همان تبدیل «حق» به «منت» است.

این پیشنهاد صرفاً یک وعده پوچ نیست، بلکه یک عملیات روانی چندلایه است. این رقم نجومی چنان بزرگ انتخاب شده که افکار عمومی را وسوسه کند و این ذهنیت را بسازد که اگر ایران این توافق را رد کند، ۳۰۰ میلیارد دلار ثروت ملی را دور ریخته است. در واقع هدف، خلع سلاح روانی منتقدان داخلی و تحت فشار گذاشتن تصمیم‌گیران ایرانی است.

افزایش هزینه بنگاه‌های اقتصادی با اختلالات شبکه بانکی

زیرساخت‌های بانکی کشور مدام تحت فشار حملات پیشرفته قرار دارند و مسئله تنها «جلوگیری از ورود» نیست، بلکه «توانایی بازگشت سریع به حالت عادی» است. از منظر کلان هم تکرار این رخدادها هزینه مبادله را برای بنگاه‌های اقتصادی بالا می‌برد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم؛ در اقتصاد مدرن، شبکه بانکی تنها بستری برای جابه‌جایی پول نیست، بلکه «قلب تپنده» و ستون اصلی جریان نقدینگی است.

هرگونه اختلال در این بخش، به‌سرعت از لایه‌های فنی عبور کرده و به زنجیره تأمین، پرداخت حقوق، اجرای قراردادها و در نهایت معیشت مردم سرایت می‌کند.

رخدادهای اخیر در چهار بانک بزرگ کشور، نه تنها بحث امنیت سایبری، بلکه چالش‌های عمیق‌تر ساختاری و تکنولوژیک را نیز در دستور کار تحلیلگران قرار داده است.

یکی از ابعاد فنی و کارشناسی که در پی این اختلالات برجسته شده، وابستگی شدید زیرساخت‌های بانکی به تکنولوژی‌های قدیمی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌هاست.

در حالی که جهان به سمت محاسبات ابری و زیرساخت‌های توزیع‌شده حرکت می‌کند، بخش بزرگی از تراکنش‌های کلان کشور همچنان بر بستر تجهیزات «مین‌فریم» شرکت IBM استوار است.

«محمدسعید طباطبایی» مدیرعامل شرکت خدمات انفورماتیک، در تبیین دشواری‌های مدیریت این بحران، به این نقطه ضعف ساختاری اشاره کرده و می‌گوید: به دلیل شرایط موجود، امکان دریافت پشتیبانی مستقیم از شرکت سازنده (IBM) وجود ندارد.

وی با تأکید بر اینکه راه‌اندازی مجدد این ماشین‌ها ذاتاً فرآیندی بسیار زمان‌بر است، خاطرنشان کرد که در شرایط عادی، بازگرداندن این سامانه‌ها ممکن است هفته‌ها یا حتی ماه‌ها زمان ببرد.

این واقعیت نشان می‌دهد که در صورت وقوع حملات گسترده، زمان بازیابی به دلیل محدودیت‌های سخت‌افزاری، می‌تواند به یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف امنیتی کشور تبدیل شود.

تحلیل ماهیت حملات اخیر نشان می‌دهد که با یک رخداد پیچیده و چندمرحله‌ای روبه‌رو بوده‌ایم. برخلاف تصورات اولیه، این اختلال تنها یک موج گذرا نبود، بلکه شامل حملات متوالی به زیرساخت‌های اصلی و سپس زیرساخت کارت‌های بانکی بود.

به گفته مدیرعامل شرکت خدمات انفورماتیک، تیم‌های فنی با چالش مواجهه با حملاتی روبه‌رو بودند که از نظر گستردگی و پیچیدگی، سابقه مشابهی در سازمان‌های مشابه نداشته‌اند.

او در این خصوص می‌گوید: ما در شرایط جنگ سایبری هستیم و حتی در زمان ارائه خدمت، روزانه صدها رخداد امنیتی شناسایی و دفع می‌شود.

این اظهارات نشان می‌دهد که زیرساخت‌های بانکی کشور مدام تحت فشار حملات پیشرفته قرار دارند و مسئله تنها «جلوگیری از ورود» نیست، بلکه «توانایی بازگشت سریع به حالت عادی» است.

از منظر کلان، تکرار این رخدادها هزینه مبادله را برای بنگاه‌های اقتصادی بالا می‌برد.

زمانی که فعالان اقتصادی نسبت به پایداری زیرساخت مالی اطمینان ندارند، رفتارهای احتیاطی افزایش می‌یابد.

یعنی نقدینگی در گردش کاهش یافته، قراردادهای جدید با احتیاط بیشتری بسته می‌شوند و سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی، به تعویق می‌افتند.

در نهایت، آنچه از این بحران آموختیم این است که امنیت سایبری دیگر یک موضوع جانبی یا صرفاً فنی نیست، بلکه بخشی از «امنیت ملی و اقتصادی» است.

تقویت تاب‌آوری بانکی نیازمند فراتر رفتن از راهکارهای موقت و حرکت به سمت استقلال تکنولوژیک و کاهش وابستگی به سخت‌افزارهای تحت تحریم است.

تا زمانی که زمان بازیابی خدمات به دلیل محدودیت‌های معماری سامانه، تحت تأثیر قرار بگیرد، اقتصاد کشور در برابر حملات سایبری، با ریسک‌های جدی در حوزه پیش‌بینی‌پذیری و پایداری مواجه خواهد بود.

گفتنی است مشکلات به‌وجود آمده در شبکه بانکی طی روزهای گذشته، مردم را دچار دردسرهای زیادی کرده است. اگرچه پیش از این هم موارد مشابهی از حمله سایبری رخ داده بود، اما این بار مشکل ادامه‌دار شده است.

مسئولان امر باید پاسخگو باشند که در سال‌های گذشته چه اقداماتی برای جلوگیری از آسیب‌پذیری شبکه انجام داده‌اند. چرا باید هنوز عمده سخت‌افزارها از شرکت‌های متعلق به دشمنان کشور تأمین شود. آیا امکان جایگزینی وجود ندارد یا در این زمینه کوتاهی شده و شاید هم منافعی در میان بوده است.

توضیح این نکات می‌تواند به بسیاری از سؤالات پاسخ داده و مسیر را برای جلوگیری از مشکلات به‌وجود آمده هموار کند.

در پی آزادسازی ذخایر در جنگ اخیر

موج بعدی افزایش قیمت نفت به‌دلیل ذخیره‌سازی آغاز می‌شود

موج بازسازی ذخایر نفت کشورها که در طول تجاوز آمریکایی صهیونیستی به ایران، میلیون‌ها بشکه نفت از ذخایر خود را آزاد کردند تا با شوک عرضه مقابله کنند، می‌تواند منبع جدید و بزرگی برای تقاضای نفت ایجاد کند و عامل موج بعدی افزایش قیمت‌ها شود.

به گزارش ایسنا، جنگ تحمیلی علیه ایران بیش از یک میلیارد بشکه از مجموع عرضه نفت جهان را از بین برده است.

با این حال، چین قبل از بسته شدن تنگه هرمز، ذخایری تقریبا به همان اندازه ایجاد کرده بود و در واکنش به افزایش شدید قیمت‌ها در آن زمان، خرید چشمگیر را متوقف کرد و مانع از جهش اجتناب‌ناپذیر قیمت نفت شد. اکنون، همه کشورها می‌خواهند ذخایر نفتی ایجاد کنند یا باید ذخایر موجود خود را دوباره پر کنند.

در اسفندماه، اندکی پس از آغاز تجاوز آمریکایی صهیونی به ایران که به مسدود شدن تنگه هرمز منجر شد، آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که ۴۰۰ میلیون بشکه نفت خام از ذخایر اضطراری مشترک خود آزاد خواهد کرد.

انتشار این خبر در آن زمان، ناظران بازار نفت را نگران کرد، زیرا این آزادسازی بزرگ‌ترین برداشت از این ذخایر اضطراری بود که تاکنون انجام شده بود.

یعنی بسیار بزرگ‌تر از آزادسازی ذخایر کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۲۲ بود که تحریم‌های غرب علیه روسیه پس از آغاز جنگ اوکراین، باعث افزایش قیمت شد.

در آن زمان، آژانس بین‌المللی انرژی تنها ۱۸۲ میلیون بشکه آزاد کرد. اما در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران، کشورهای عضو آماده بودند تا ۴۰۰ میلیون بشکه، به علاوه میلیون‌ها بشکه از ذخایر استراتژیک نفت آمریکا را آزاد کنند.

تمام این میلیون‌ها بشکه پس از پایان بحران باید دوباره پر شوند. تحلیلگران در مورد آن و پتانسیل این تلاش برای پر کردن مجدد ذخایر برای افزایش قیمت‌های بین‌المللی هشدار داده‌اند.

با این حال، علاوه بر تلاش برای پر کردن مجدد ذخایر، کشورهایی هستند که به دنبال ایجاد ذخایر استراتژیک خود برای محافظت از خود در برابر شوک‌های آینده هستند.

گزارش‌های متعددی پس از وقوع جنگ علیه ایران حاکی از آن بود که این جنگ، واردکنندگان انرژی را وادار کرد تا به سمت منابع دیگری مانند انرژی بادی و خورشیدی روی آورند تا وابستگی خود را به واردات نفت خام از خاورمیانه کاهش دهند.

در واقع، بسیاری از دولت‌ها در سراسر آسیا - آسیب‌پذیرترین منطقه- سرمایه‌گذاری خود را بر روی بادی و خورشیدی دو و سه برابر کردند، اما در عین حال نشان دادند که می‌دانند این منابع نمی‌توانند جایگزین هیدروکربن‌ها شوند. بنابراین، آنها با الگوبرداری از چین، به فکر ایجاد یک ذخیره نفتی افتادند.

الگو گرفتن از چین ممکن است چالش بزرگی باشد، هرچند در ظاهر ساده به نظر می‌رسد. البته این چالش، مالی است.

برای مثال، هند می‌خواهد ذخایر نفت خود را که در حال حاضر به طور غیرقابل قبولی پایین است و تنها هشت روز واردات را پوشش می‌دهد، افزایش دهد.

دولت هند پیش از این به شرکت بزرگ دولتی ONGC دستور داده است که ۱۳ میلیون بشکه به ذخایر نفت خام خود اضافه کند، اما این ۱۳ میلیون بشکه در صورت کمبود، راه زیادی را در پیش نخواهد گرفت و خرید نفت کافی برای کمک در صورت کمبود، ده‌ها میلیارد دلار هزینه خواهد داشت.

ضمنا، هند تنها واردکننده بزرگ نفت نیست که به افزایش ذخایر نفت خود فکر می‌کند و چین نیز مانند اعضای آژانس بین‌المللی انرژی باید ذخایر خود را دوباره پر کند.

بر اساس گزارش اویل پرایس، این به معنای آن است که تقاضا برای نفت خام در شرف افزایش است.

حتی آژانس بین‌المللی انرژی در آخرین گزارش ماهانه خود اعلام کرد که انتظار دارد تقاضای جهانی برای نفت پس از کاهش ۱.۱ میلیون بشکه در روز در سال جاری به دلیل بحران و تاثیر آن بر عرضه و قیمت‌ها، در سال میلادی آینده، دو میلیون بشکه در روز رشد کند.

نارضایتی مردم از آزادسازی نرخ نان

در حالی که آزادپز شدن نانوایی‌های سنگک و بربری قرار بود تنها در بخشی از تهران و با مجوز کارگروه آرد و نان اجرا شود، بررسی‌ها از گسترش این روند در مناطق دیگر پایتخت حکایت دارد و مردم نیز از شرایط به وجود آمده ناراضی هستند.

حدود دو ماه از مصوبه کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران درخصوص آزادپز شدن نانوایی‌های سنگک و بربری در مناطق یک، دو و سه تهران می‌گذرد؛ بهانه این اقدام، بالا بودن هزینه‌های اجاره و اداره واحدهای نانوایی در این مناطق اعلام شد و دولت هم طبق معمول به جای اجرا کردن راهکارهای غیرقیمتی، برای افزایش قیمت دست به کار شد و تصمیم گرفت که این دو نوع نان تنها در این مناطق به صورت آزادپزی به فروش برسند.

علاوه‌بر این تغییر سیاستی، به گفته فلسفی، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس، «شورای آرد و نان استان تهران هفته گذشته با ابلاغ مصوبه افزایش قیمت، قیمت برخی انواع نان سنتی را تا حدود ۷۰درصد افزایش داد و پیش از تهران نیز ۲۷ استان دیگر افزایش قیمت را اعمال کرده بودند.» بهانه این تصمیم نیز کاهش تخلفات واحدهای نانوایی و مسائل صنفی این واحدها در پی افزایش هزینه‌های تولید اعلام شد. با این حال اکنون قیمت‌ها در سراسر تهران افزایش یافته و مردم را تحت فشار معیشتی قرار داده است.

به گزارش ایسنا، با اینکه رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تاکید کرده بود که «آزادپز شدن نانوایی‌ها به‌معنای آن نیست که هر واحد صنفی بتواند به‌صورت خودسرانه از نرخ‌های یارانه‌ای خارج شود و این موضوع تنها با تصویب کارگروه آرد و نان مستقر در استانداری امکان‌پذیر است»، اما مشاهدات میدانی نشان می‌دهد دامنه آزادپزی به همین مناطق محدود نمانده و بسیاری از مناطق دیگر شهر و نانوایی‌هایی که نامی از آنها در فهرست رسمی آزادپزها دیده نمی‌شود، عملا از چرخه توزیع آرد دولتی خارج شده‌اند. یکی از نشانه‌های این تغییر، حذف دستگاه‌های «نانینو» از برخی نانوایی‌هاست؛ دستگاه‌هایی که نشان‌دهنده استفاده از آرد یارانه‌ای و عرضه نان با نرخ مصوب بودند و حالا حذف این دستگاه‌ها برای بسیاری از شهروندان به معنای آزاد شدن قیمت نان است. در حال حاضر قیمت نان ساده سنگک و بربری در برخی نانوایی‌های آزادپز بین ۳۵ تا ۵۰ هزار تومان متغیر است؛ رقمی که برای بسیاری از خانوارها، به‌ویژه خانواده‌های پرجمعیت، قابل توجه محسوب می‌شود. این در حالی است که نان‌های کنجدی، سبزیجات‌دار و سایر مدل‌های اصطلاحا ویژه یا فانتزی با قیمت‌هایی تا ۷۵ هزار تومان نیز به فروش می‌رسند.

درد نان

با این حال، مسئله فقط افزایش قیمت نیست. یکی از گلایه‌های پرتکرار مردم، شیوه فروش نان در برخی نانوایی‌هاست. به گفته شهروندان، در بسیاری از این واحدها تعداد نان ساده محدود است و پس از مدت کوتاهی اعلام می‌شود «چانه نان ساده تمام شده» و مشتری ناچار است نان کنجدی یا سایر مدل‌های بسیار گران‌تر را خریداری کند. این موضوع پرسشی جدی ایجاد می‌کند؛ اگر اختلاف قیمت صرفا به دلیل افزودن کنجد یا برخی افزودنی‌های دیگر است و این افزایش باید متناسب با هزینه مواد اولیه باشد، چرا برخی نانوایی‌ها اصرار دارند سهم بیشتری از فروش خود را به نان‌های گران‌تر اختصاص دهند؟ آیا این روند به معنای حرکت تدریجی بازار نان از کالای اساسی به سمت محصولی با حاشیه سود بالاتر است؟

مشاهدات میدانی حاکی از نارضایتی گسترده مردم نسبت به این وضعیت است. یکی از شهروندان می‌گوید: «نان چیزی نیست که بشود از سفره حذفش کرد. همیشه سر سفره هست. وقتی قیمت برنج این‌قدر بالا رفته، حداقل انتظار داریم نان قابل خرید باشد.»

شهروند دیگری به کاهش اندک ضریب حقوق بازنشستگان در برابر میزان افزایش قیمت کالاهای اساسی اشاره می‌کند و می‌گوید: «هر سال افزایش اندکی در حقوق بازنشستگان اعمال می‌شود، اما همزمان قیمت بیشتر کالاهای اساسی از جمله نان افزایش چشمگیری پیدا می‌کند. به همین دلیل برای ما همین رقم‌های اندک هم چشمگیر به نظر می‌رسد.»

نانوایان هم ناراضی‌اند

نانوایان هم گلایه‌هایی دارند، یکی از کارگران در حین پخت نان می‌گوید: «مردم می‌پرسند چرا قیمت نان افزایش یافته اما از هزینه‌های واقعی نانوایی اطلاع ندارد. در حالی که قیمت نان هنوز از بسیاری از کالاها و خدمات در سال‌های اخیر افزایش قیمت کمتری داشته است. شرایط سخت پخت نان، اجاره بها، هزینه‌های حمل‌ونقل و تولید همگی در حال تغییر و افزایش هستند، چطور این نرخ باید ثابت بماند؟ یعنی باید از دستمزد و مخارج خود چشم‌پوشی کرده و از جیب بپردازیم تا هزینه‌ای مازاد بر مردم تحمل نشود؟ این مشکل باید از جای دیگری حل شود که هم چالش هزینه‌های نانوایان رفع شود و هم فشاری بر دوش مردم وارد نباشد. شرایط فعلی نه به نفع مردم است و نه فعالان این صنف.»

مشتری دیگری در صف خرید نان با انتقاد از کیفیت برخی نان‌های گران‌قیمت اظهار می‌کند: «مشکل فقط گرانی نیست؛ نانی می‌خریم که بعضی وقت‌ها وسطش خمیری است و رویش سوخته. هم قیمت بالا رفته، هم کیفیت آن چیزی نیست که باید باشد. اگر قرار است نرخ نان افزایش یابد، کیفیت پخت و نحوه ارائه خدمات نیز باید تغییر کند، مسئولان نباید منتظر بمانند تا مردم تخلف را گزارش کنند بلکه بازرسی‌ها باید مستمر و میدانی باشد.»

محمدجواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران، درباره تاثیر افزایش قیمت بر کیفیت نان گفت: «موضوع کیفیت مسئله‌ای مهم است و هر نانوایی باید برای ارتقای کیفیت محصول خود تلاش کند. این روند در بسیاری از واحدهای نانوایی در حال انجام است و باید تقویت شود.»

علاوه‌بر این، در روزهای گذشته بازرسان فرمانداری تهران و اتاق اصناف، ضمن بازدید از برخی واحدهای نانوایی از تخلف در قیمت‌ها و کم فروشی آنها خبر دادند و تاکید کردند که آرد واحدهای متخلف قطع و پروانه کسب آنها باطل خواهد شد.

گفتنی است، نان آخرین سنگر غذایی مردم است و دولت باید نسبت به قیمت آن حساس باشد، اما به نظر می‌رسد دولت همانند خطایی که در حذف ارز ترجیحی مرتکب شد را تکرار می‌کند. در حالی که آزادسازی نرخ ارز به افسار پاره کردن قیمت کالاها انجامید و کالابرگ هم نتوانست شکاف گرانی و جیب مردم را پر کند، حالا دولت برنامه دارد نان را هم مانند سایر کالاها به دست بازار بسپارد.

بر اساس این گزارش، کار روی تغییر نظام پرداخت یارانه نان در دولت و مجلس آغاز شده و طرح‌های جایگزین در حال بررسی هستند. در این رابطه، وزیر جهاد کشاورزی می‌گوید: «ما گندم را به قیمت ۴۸۵۰۰ تومان از کشاورزان می‌خریم و قیمت حدود ۱۰۰۰ تومان در اختیار نانوایان سنتی قرار می‌دهیم تا نان یارانه‌دار وارد سفره مردم شود. اما کالابرگ دقیق‌ترین شکلی است که می‌تواند این یارانه را به دست مردم برساند، بنابراین، ما در دولت معتقدیم، نزدیک‌ترین راه برای اینکه این یارانه تا ریال آخر به دست مردم برسد در انتها و در حساب مردم واریز شود. به همین دلیل موضوع در دست بررسی است هنوز به قطعیت نرسیده ولی بعد از کارهای کارشناسی و در صورت تایید شدن، روی روش‌ها بحث خواهد شد.»

در شرایطی که فشار هزینه‌های معیشتی بر خانوارها افزایش یافته، تغییر تدریجی الگوی عرضه نان و گسترش آزادپزی می‌تواند دسترسی اقشار کم‌درآمد به یکی از مهم‌ترین اقلام غذایی را دشوارتر کند. نان برای بسیاری از مردم تنها یک کالا نیست؛ بخشی جدانشدنی از سفره روزانه است و هر تغییر در قیمت یا کیفیت آن، مستقیماً در زندگی روزمره خانوارها نمود پیدا می‌کند. این نیاز به‌صورت پررنگی قابل مشاهده است که در این زمینه تصمیمات بهتر و فوری گرفته شود که در شرایط تورمی شدید و اقتصاد نابسامان فعلی، فشار از معیشت مردم برداشته شود.

جدول نرخ سکه، ارز و بورس

نوع سکه	قیمت بازار (به تومان)
سکه تمام طرح جدید	۱۷۳/۰۰۰/۰۰۰
سکه تمام طرح قدیم	۱۶۹/۰۰۰/۰۰۰
نیم سکه	۹۰/۰۰۰/۰۰۰
ربع سکه	۵۲/۰۰۰/۰۰۰
گرمی	۲۸/۰۰۰/۰۰۰
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۱۷/۱۲۹/۲۰۰
نوع ارز	
دلار(توافقی)	۱۴۷/۶۶۴
یورو(توافقی)	۱۶۸/۹۸۰
پوند	۲۲۸/۰۷۴
یوان چین	۲۱/۷۴۷
درهم امارات	۴۰/۲۰۸
هزار دینار عراق	۱۳۴/۰۸۳
بورس	
شاخص کل بورس تهران	۵/۱۸۷/۲۶۴
شاخص کل هموزن	۱/۳۶۱/۳۴۰

مخالفت عجیب رئیس فراکسیون سهام عدالت مجلس با آزادسازی حق قانونی مردم

در حالی‌که صاحبان سهام عدالت، خواستار آزادسازی خرید و فروش آن هستند؛ رئیس فراکسیون نظارت بر تعاون و سهام عدالت مجلس، به طرز عجیبی با آزادسازی حق مردم مخالفت کرد!

به گزارش خبرنگار ما، سید علی مدنی‌زاده؛ وزیر امور اقتصادی و دارایی، روز یکشنبه درباره آزادسازی سهام عدالت گفت: امیدواریم مردم عزیز پس از بیش از یک دهه توقف، شیرینی بازگشایی و آزادسازی سهام عدالت را در تابستان ۱۴۰۵ تجربه کنند.

او به فراهم شدن مقدمات آزادسازی سهام عدالت اشاره کرد و افزود: با توجه به آمادگی نسبی بازار سرمایه، این موضوع در دستور کار شورای عالی بورس قرار گرفته و امیدواریم مردم پس از بیش از یک دهه توقف، در تابستان امسال شاهد بازگشایی سهام عدالت باشند.

او یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اجرای این برنامه را برگزاری مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت عنوان کرد و گفت: در این زمینه، اقدامات لازم برای برگزاری مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی آغاز شده است.

۵۰ میلیون سهامدار در انتظار حق خود

گفتنی است، در حالی که از سال ۱۳۹۹، بیش از شش سال از توقف امکان فروش و تعیین تکلیف کامل سهام عدالت می‌گذرد؛ حدود ۵۰ میلیون دارنده این سهام همچنان منتظر دسترسی واقعی به دارایی خود هستند. اعلام احتمال بازگشایی سهام عدالت در تابستان ۱۴۰۵ اگرچه امیدهایی ایجاد کرده، اما مطالبه اصلی سهامداران همچنان شفافیت در زمان‌بندی و اجرای قطعی این وعده‌هاست.

بسیاری از سهامداران معتقدند دارایی که با هدف مشارکت اقتصادی مردم واگذار شده، نباید سال‌ها در وضعیت نامشخص باقی بماند. اکنون انتظار می‌رود دولت و نهادهای مرتبط از جمله وزارت اقتصاد و سازمان بورس با تسریع در فرآیندها مسیر آزادسازی واقعی سهام عدالت را هموار کنند تا اعتماد از دست رفته سهامداران نیز تا حدی جبران شود.

با این‌حال محمد نصیری؛ رئیس فراکسیون نظارت بر تعاون و سهام عدالت مجلس در اظهاراتی عجیب، با آزادسازی حق مردم مخالفت کرد!

او گفت: با توجه به اینکه دارندگان سهام عدالت از شش دهک کم درآمد جامعه هستند و به خاطر نیاز مالی مجبور هستند بخشی از سهام خود را بفروشند؛ بنابراین در نامه‌ای که رؤسای چهار کمیسیون تخصصی مجلس و فراکسیون سهام عدالت به رئیس‌مجلس نوشته‌اند خواستار توقف نمادهای سهام عدالت و تصمیم‌گیری مشترک بین دولت و مجلس برای سهام عدالت شده‌اند!

آزادسازی سهام عدالت؛ حذف رانت

رئیس فراکسیون نظارت بر تعاون و سهام عدالت مجلس، در پاسخ به این پرسش که بالاخره مردم دارای دارندگان سهام عدالت هستند و حق دارند که نسبت به مالکیت اعمال مدیریت و یا اعمال مدیریت از جمله خرید و فروش نمایند به چه حقی و بر اساس چه قانونی آنها را از این حق بازمی‌دارید گفت: ما می‌گوییم مردم در سهامداری عدالت باقی بمانند و از منافع و سرمایه‌گذاری‌هایی که به وسیله این دارایی عظیم که به ارزش دو هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود منتفع شوند و این با سیاست‌های آزادسازی سهام عدالت که قرار است معاملاتی شود و مردم آن را بفروشند سازگاری ندارد.

گفتنی است، سخنان رئیس فراکسیون سهام عدالت مجلس، برخلاف قانون و نوعی قیّم شدن برای مردم است. سهام عدالت، متعلق به مردم است و آنها قانوناً مانند دیگر سهامداران بورس، حق خرید و فروش دارند.

بخشی از سهامداران عدالت که روش مستقیم را برگزیده‌اند؛ با معاملات بورسی آشنایی دارند و بعضا خبره هستند. بخشی دیگر که روش غیرمستقیم را انتخاب کرده‌اند هم با کمک افراد خبره، می‌توانند پرتفوی سهام عدالت خود را مدیریت کنند یا بفروشند.

ضمن اینکه مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت، به محلی برای رانت و فساد عده‌ای تبدیل شده که بهتر است ضمن آزادسازی سهام عدالت، درباره این مجامع شفاف‌سازی شود.

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
۳۳۱۱۲۱۹۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

آگهی‌های مفقودی

برگ کمپانی و کارت اتومبیل پژو پارس مدل ۱۳۹۰ به شماره شاسی NAAN01CA9BK496226 به شماره پلاک ۱۲۳ ق ۲۵- ایران۹۳ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز دنا مدل ۱۴۰۵ به شماره شاسی۹۵۴۱۴ NAAW91HKATDN به شماره پلاک ۲۱۷ ص ۶۷- ایران ۹۸ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت مشخصات خودروی ولوو به شماره پلاک ۲۵۵ ع ۸۶ - ایران ۱۴ به رنگ زرشکی‌متالیک‌مدل۲۰۲۲ وشماره موتور D1321454۵7 و شماره شاسی YV2RT60AXNB7۳۵۴۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.(اهواز)

برگ سبز(شناسنامه) خودرو سواری- هاچ بک سیستم سایپا تیپ تیبا ۲ مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید شماره موتور M15/8675670 شماره شاسی NAS821100J1192070 پلاک ایران۸۴-۸۱۲س۳۸ بنام زینب شریفی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.(بندرعباس)

برگ سبز سواری‌هاچ بک پراید ۱۱۱ به شماره انتظامی ۷۶۹و۲۳ ایران ۶۳ موتور ۴۳۱۳۱۶۸ شاسی S5430090074934 مدل ۹۰ به نام حبیب خلیل زاده مطوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.(شیراز)

برگ سبز و سند کمپانی پژو۲۰۷ پانوراما دنده‌ای مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید و شماره شهربانی ۳۷۳ ی ۴۶ ایران ۴۰ و شماره موتور 166B0065999 و شماره شاسی NAAR03FE3NJ920467 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سیستم پژو تیپ ۲۰۶ به رنگ فیلی روشن- متالیک مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۸۱۶ ن ۱۲ ایران ۷۲ به شماره موتور 10FSS12148886 به شماره شاسی ۸۳۶۵۷۳۶۴ مربوط به وحید یوسفی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ساری)

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زهرا عبدالهی فرزند مراد حسین به شماره شناسنامه ۰۵۲۱۳۴۹۴۳۵ صادره از اراک در مقطع کارشناسی پیوسته رشته حسابداری صادره از واحددانشگاهی‌تهران‌مرکزی‌باشماره ۵۱۹۲۳۶۳ و تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ و شماره تایید سازمان مرکزی ۱۶۰۳۱۰۱۰۵۶۹۱ و تاریخ تایید سازمان‌مرکزی ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ مفقود گردیده است، از یابنده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی: تهران- سوهانک- بلوار ارتش- میدان قائم- خیابان خندان- خیابان سلماس، ارسال فرماید.

استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران مطرح کرد

تورم امروز نتیجه حذف ارز ترجیحی است

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با بیان اینکه اگر جنگ هم نمی‌شد، تورم همین‌قدر بود، گفت: بازی‌های مربوط به آزادسازی ارز که پیش از این نیز چندین بار آزموده شده‌اند و هر بار حتی در شرایط عادی با شکست مواجه شده‌اند، در این مقطع نیز پیامدهای ناخواسته‌ای داشتند که افزایش شدید قیمت‌ها، نتیجه‌ای قابل‌انتظار برای آن بود.

«مرتضی افقه» عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در گفت‌وگو با خانه اقتصاد، گفت: سیاست‌گذاری‌هایی که صورت گرفت، به‌ویژه آزادسازی ارزی که در دی‌ماه انجام شد، علی‌رغم مخالفت‌های عده‌ای از اقتصاددانان، با چالش‌های جدی مواجه بود.

وی افزود: از منظر زمان‌بندی، به‌ویژه در شرایطی که احتمال وقوع تنش‌های نظامی وجود داشت، این تصمیم اصلاً فرصت مناسبی نبود.

افقه ادامه داد: این بازی‌های مربوط به آزادسازی ارز که به نظر من پیش از این نیز چندین بار آزموده شده‌اند و هر بار حتی در شرایط عادی با شکست مواجه شده‌اند، در این مقطع نیز پیامدهای ناخواسته‌ای داشتند که افزایش شدید قیمت‌ها، نتیجه‌ای قابل‌انتظار برای آن بود.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز گفت: همان گروه از اقتصاددانانی که حامی این طرح بودند، استدلال‌هایی مطرح می‌کردند که به باور من، یا نسنجیده بود و یا بسیار فراتر از دانش یک فرد عادی بود؛ آن‌ها مدعی بودند که با حذف رانت از مبدأ و بازتوزیع آن به مصرف‌کننده از طریق سیاست‌های یارانه‌ای، کالابرگ یا سایر حمایت‌های دولتی، می‌توان تفاوت را ایجاد کرد.

افقه تصریح کرد: تجربیات دوران مدیریت آقای احمدی‌نژاد و سپس آقای رئیسی به‌روشنی نشان داد که طوفان قیمتی ناشی از آزادسازی، بسیار فراتر از توانِ سیاست‌های حمایتی دولت برای جبرانِ کاهش قدرت خرید مردم است. بخش قابل‌توجهی از این افزایشِ قیمت‌ها، حتی اگر شرایط جنگی هم نبود، همچنان با آن مواجه بودیم.

وی گفت: درخصوص موضوع جنگ، اگرچه التهاباتی ایجاد شد، اما انصافاً برخلاف برخی کشورها، ما با کمبود کالا یا خالی شدن قفسه‌ها مواجه نشدیم، همین امر باعث شد اضطراب اولیه در بازار فروکش کند و تقاضا کاهش یابد؛ به طوری که اکنون فروشگاه‌ها مملو از کالا هستند، اما قدرت خرید مردم برای تهیه آن‌ها وجود ندارد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز اظهار داشت: این همان وضعیت رکود تورمی است که چند سالی است بر اقتصاد حاکم شده است. با این حال، در آن دوره سیاست‌گذاری‌هایی انجام شد که به‌ویژه در مدیریت جابه‌جایی جمعیت و تأمین کالا در شهرهای مقصد، دولت توانست مدیریت نسبتاً مطلوبی داشته باشد و در زمینه سوخت نیز با مشکل جدی روبه‌رو نشدیم که این امر قابل تقدیر است.

اما در نهایت، باید بگویم این ادعا که اگر ارز ترجیحی حذف نمی‌شد، با قحطی مواجه می‌شدیم، متأسفانه ادعایی نادرست و تنها نوعی توجیه برای یک سیاست‌گذاری غلط است که منجر به بروز مشکلات فراوان شد.

وی در نهایت تصریح کرد: با توجه به اینکه دولت خود یکی از بزرگ‌ترین تقاضاکنندگان در بازار است، افزایش قیمت‌ها مستقیماً منجر به کسری بودجه خود دولت نیز می‌شود. بنابراین، این تصور که بدون ارز ترجیحی با قحطی روبه‌رو می‌شدیم، اصلاً درست نیست؛ چرا که حتی اگر شرایط فعلی نیز حفظ شود، ما هرگز به آن سطح از قحطی که برخی پیش‌بینی می‌کنند، نزدیک نخواهیم شد.